



۲۰۱۷/۰۸/۲۳



م. نسیم اسیر

ملک الشعراء افغان ها در هجرت

## آب و آتش

انگیزه سرودن منظومه ذیل، عنوان مطلبی است که عزیز القدرم انجنیر خلیل الله معروفی از یک شعر استاد بزرگ خلیلی، انتخاب و مطلبی به عنوان «آتش اندر آتش اندر آتشت» در مقام و منزلت استاد در وبسایت وزین آریانا افغانستان آنلاین نوشته بودند. متن نوشته بلند بالا شایسته مقام و شعر انتخابی از استاد بی بدیل خلیلی، بر من اثر گذاشت و سبب شد تا منم با آتش بازی کنم و مطلبی بنویسم:

### آب و آتش

این وجود من سراپا آتش است	آن چنان که، گویی دنیا آتش است
هیچ میدانی که این آتش ز چیست؟	بهر چه اینجا و آنجا آتش است؟
سرزمین ما ز دست ناکسان	چون جهنم، آتش افزا آتش است
سوز آه ما گرفته عالمی	عالمی از آتش ما، آتش است
چار عنصر، هریکی را خصلتت	برسه دیگر، درد پیرا آتش است
شعله می بارد بهر سو، زاسمان	از ثری تا به ثریا آتش است
لحظه آتش فشانی ها رسید	هرطرف پنهان و پیدا آتش است
فتنه می خیزد ز هر کنج و کنار	هرچه رامی بینی تنها آتش است
روز ما همچون شب یلدا گذشت	شام یلدا بیتو اصلا آتش است
فرصت آتش مزاجی های ماست	بر تنم خلعت ز دیبا آتش است

قصه اسرار ما و من مپرس هر چه باشد از من و ما آتش است  
من ز بخت خویشتن در حیرتم یار امروز آب و فردا آتش است  
مشت خاکستر شده جانم «اسیر»  
در نهادم راه پیما آتش است

